



شماره حقوق

دوفصلنامه

دوره ۴ - شماره ۸ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

- ابعاد فقهی و جرم شناختی شرط بندی در فضای مجازی
ابوالفتح خالقی، سیمین فرخی نیا
- بررسی انتقادی رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به آثار حقوقی جدایی
مجمع الجزایر جاگوس از موريس در سال ۱۹۶۵
موسی عاکفی قاضیانی، محمد عاکفی قاضیانی
- واکاوی حقوقی تطبیقی نهاد وثیقه در پرتو قوانین ایران و انگلیس
حسین رحیمی خجسته، مرضیه فتاحی برناجی
- رویکردی تطبیقی بر آثار ادغام شرکت‌های تجاری
افشین مجاهد
- تبیین ابعاد عدالت و اخلاق از منظر اصول چهارچوبی حقوق بین الملل اسلامی
نوروز کارگری، سجاد طیبی
- جایگاه جنایات جنسی در محاکم کیفری بین‌المللی
عباس پورهاشمی، سحر چوبین
- پاندمی کووید۱۹ در پرتو حقوق همبستگی
سیدپهراذ میرفخرایی
- آثار و جهات تجدیدنظرخواهی (پژوهش‌خواهی) از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه
سیدجعفر هاشمی باجگانی، افشین مجاهد
- سرمایه گذاری خارجی در حقوق موضوعه ایران و موانع پیش روی آن
محمدرضا بوربور
- شرط ضمان مطلق مستأجر در نگهداری از عین مستاجر در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران
فیروز احمدی، علی قائدرحمتی
- هشدار برای دانه درشت‌ها: مروری بر مهمترین نقش‌ها و رهاوردهای حقوق بین الملل
کیفری در نظم حقوقی بین المللی
محسن قدیر، موسی گرمی
- مطالعه تطبیقی آثار جرم اختلاس در حقوق ایران و انگلستان با نگاهی به اسناد بین‌المللی
محسن جعفری، فاطمه اسدی
- تعهد حسن‌نیت در قراردادهای حقوق ایران و فرانسه
عباس کریمی، اباالفضل سلیمان
- رویکردی تطبیقی بر قرارداد ارفاقی در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه
حسن رحیم زاده میبدی، افشین مجاهد
- آثار نفقه زوجه در حقوق ایران و فرانسه
مصطفی افضلی گروه
- مطالعه تطبیقی عدم نفوذ با بطلان نسبی در حقوق ایران و فرانسه
عباس کریمی، غلامرضا ایزدپناه
- نقد و ارزیابی ضررهای فردی، اجتماعی و قضائی جرم انگاری در نظام کیفری ایران
رستم علی اکبری، امیر فرج بخش



Explaining the Dimensions of Justice and Ethics from the Perspective of the Principles of the Framework of Islamic International Law

Nourooz Kargari

Assistant Professor, Department of Law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

Sajad Tayebi

PhD student in Theology, University of Religions and Beliefs, Tehran, Iran (Corresponding Author)

تبیین ابعاد عدالت و اخلاق از منظر اصول چهارچوبی حقوق بین الملل اسلامی

نوروز کارگوری

استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

nouroozk@gmail.com

سجاد طیبی

دانشجوی دکتری دین شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

stayebi.g@gmail.com

<http://orcid.org/0000-0002-5058-3609>

Abstract

International law is a mirror image of current international rules in the international community with a humanistic approach and the ideal of international behavior. In this course of action, the divine religions, beyond their religious framework, have necessary theories in various fields of human life. For example, the religion of Islam, which itself has a special emphasis on Islamic international law and not only considers the international law of Islam as a chain of communication of all basic principles in international law, but also puts ethics and moralization of legal principles based on ideal justice from A global perspective is the basis of your work. In this regard, the school of Islam considers jurisprudence, justice and morality as the most fundamental principles of the framework and considers its dissemination due to the presence of religious schools as a necessity and emphasizes its universality. The purpose of this study is to investigate the basis of the stable link between ethics and justice in the legal world through the special view of Islam. Let's pay attention to the proper position of ethics and justice.

Keywords: Islamic International Law, Ethics, Justice, Principles of International Law, International Community.

چکیده

حقوق بین الملل آئینه تمام نمای قواعد جاری بین المللی در جامعه جهانی با رویکرد نوع بشری و آرمان گاه سیرسلوک بین المللی است. در این سیرسلوک ادیان الهی فراتر از چهارچوب دینی خود نظریات بایسته ای در زمینه های مختلف حیات بشری دارند. از جمله دین مبین اسلام که خود بر حقوق بین الملل اسلامی تاکید ویژه ای دارد و نه تنها حقوق بین الملل اسلام را زنجیره ارتباط تمامی اصول پایه در حقوق بین الملل می داند، بلکه اخلاق و اخلاقی کردن اصول حقوقی بر مبنای عدالت آرمانی از منظر جهانی را اساس کار خود قرار داده است. در این راستا مکتب اسلام قانونگرایی، عدالت مندی و اخلاق مداری را از اصولی ترین مبانی چهارچوبی تلقی نموده و اشاعه آن را به واسطه حضور مکاتب دینی امری ضروری دانسته و جهانشمولی آن را مورد تاکید قرار داده است. هدف از این مقاله بررسی مبنای پیوند باثبات اخلاق و عدالت در جهان قانونمند به واسطه نگاه ویژه اسلام به آن است. در این سیر، نگاه مکتبی به اصول پایه ای حقوق بین الملل یک بازاندیشی را برای ما متصور می سازد که در پرتو حقوق بین الملل اسلام به جایگاه بایسته و شایسته اخلاق و عدالت پردازیم.

واژگان کلیدی: حقوق بین الملل اسلامی، اخلاق، عدالت، اصول حقوق بین الملل، جامعه بین المللی.

Received:2021/04/19 - Review: 2021/07/20 - Accepted:2021/09/19

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۱۹

مقدمه

با توجه به گسترش روزافزون روابط بین‌المللی و ضرورت کارآمدسازی حقوق بین‌الملل به مثابه یک نیاز جهانی، با انگیزه بازیابی نقش اسلام در توسعه حقوق بین‌الملل، ایده «اسلام خاستگاه واقعی حقوق بین‌الملل» با رویکرد توصیفی تحلیلی سامان یافته است (سلیمی، ۱۳۹۴، ۷۹). اسلام، آخرین دین خداوند و به عنوان یک مکتب جامع شرایط، دین فطرت و زندگی، دین دانش، عدالت، انصاف و ارزش‌های اخلاقی، بر پایه مبانی فکری که سراسر نظامی مقدس است. این نظام اعتقادی صحیح و پیراسته از خرافات، نظام آداب نیک، نظام عبودیت و بندگی خداوند، نظام حکومت و سیاست، نظام سرمایه و اقتصادی، نظام ازدواج و خانواده و احوال شخصی، نظام تعلیم و تربیت مترقی، نظام قضاوت و دادرسی، نظام حقوق قراردادهای، نظام جنگ و صلح و نظام تمامی امور در یک کلام اسلام، عقیده، شریعت، سیاست و حکومت است (صافی، ۱۴۰۴، ۵). بنابراین نظام حقوقی در اسلام، همانا جز شریعت اسلامی، چیز دیگری نیست و این همان شریعت اسلامی، ریشه دار واصل است و «شریعت اسلامی همچنان از نظام‌های حقوقی بزرگ در دنیای معاصر به شمار می‌رود»^۱

شریعت اسلام دربردارنده عالی‌ترین قوانینی است که انسان‌ها می‌توانند در پناه آن سعادت‌مندان زندگی کنند و تمام مظاهر حیات اجتماعی و فردی بشر از احکام آن پیروی می‌کند. اسلام به دلیل اصول و مقررات گسترده‌ای که دارد توانسته جایگاه ثابتی در عرصه بین‌المللی داشته باشد و باید اذعان نمود در بسیاری از مسائل بین‌المللی که امروزه به صورت قواعد بین‌المللی ظهور و بروز نموده پیش قدم آن بوده است. آن چه که اسلام در توسعه حقوق بین‌الملل لازم می‌داند آن است که تمامی اصول و مقررات بین‌المللی بایستی در قالب قواعد اخلاقی قرار داشته باشد. هرچند که بحث اخلاق در حقوق بین‌الملل مطرح بوده ولیکن بایستی دید که به واقع شرایط حصول اخلاق بین‌المللی و نمود آن در حقوق بین‌الملل چگونه است. بازیابی این تصور که قواعد بین‌المللی در هر حالتی قابلیت اعمال و اجرا دارد اشتباهی فاحش است چرا که این قواعد بر اساس اصولی متقن شکل گرفته‌اند. این اطمینان ناشی از پابندی اصول و قواعد به اخلاق و عدالت است. این پابندی نیز ناشی از چهارچوب مکتبی دینی و جهانشمولی آن در عرصه بین‌المللی است که حقوق بین‌الملل اسلامی آن را تکوین و توسعه می‌بخشد که در این پژوهش مورد مذاقه قرار می‌دهیم.

۱- به گفته استاد حقوق تطبیقی فرانسه رنه داوید، اصل عبارت چنین است: nudes' grand's system esdu monde modern

۱- ضرورت رابطه حقوق بین الملل با آموزه های اسلامی

این مبحث به ضرورت وجود حقوق بین الملل اشاره دارد. چنان که در جامعه بین الملل که نوع بشر در آن زندگی می کنند و با هم ارتباط دارند بایستی این ارتباط در چهارچوب قواعدی سامان یابد. نگاه حکیمانه به قواعد حقوق بین الملل اسلامی همین زمینه را تقویت نموده که اثرات آن را مورد بررسی قرار می دهیم.

۱-۱- ضرورت چهارچوب ارتباط

برای تامین نیازهای جامعه، شکوفایی استعدادهای مادی و معنوی افراد، رفع نزاع ها و در یک کلام تنظیم روابط سالم و عادلانه اجتماعی، وجود حقوق و قانون برای انسان ها ضرورت دارد، نظام حقوقی به منظور تنظیم روابط ملت ها و دولت ها نیز ضرورت دارد (سلیمی، ۱۳۸۲، ۵۲). اگرچه در مسیر این پژوهش بایستی از نگاه جامعه شناختانه به سمت حقوق بین الملل برویم و ضرورت ها را با اتکاء به مستندات قواعد بین المللی مطرح نماییم. در این راستا به اختصار و در جهت ضرورت وجودی حقوق بین الملل می توان به خستگی و بیزاری ملت ها از جنگ های جهانی و منطقه ای، درک اهمیت صلح و امنیت بین الملل، آگاهی از اهمیت وحدت و ارتباط سرنوشت جوامع یکدیگر و حس بشر دوستی اشاره داشت (شبرنگ، ۱۳۸۵، ۶). این ضرورت ها با رویکرد حقوق بشر اسلامی تناسب بسیار دارد و گفتمان نظام یافته بین المللی در همین طراز قرار می گیرد. از این رو اسلام برای تمام دولت ها بدون ملحوظ داشتن دین یا نژاد، حقوق و تعهداتی یکسان قائل شد و برخلاف ملل باستانی دیگر، حقوق بین الدولی که توسط مسلمانان شکل گرفت، فقط ناظر بر تنظیم چگونگی روابط یک دولت اسلامی با سایر دول اسلامی و نادیده انگاشتن سایر دول غیرمسلمان نبود (حمیداله، ۱۳۸۰، ۹). بنابراین از یک سو، چهارچوب های حقوق بین الملل تعادل بخشنده روابط دولت ها و تنظیم گر تعاملات ساکنین زیست کره می باشد. از سوی دیگر، دین اسلام دارای مبانی ارتباط ملل مختلف اعم از جنگ، صلح و مبادله تجاری و موارد دیگر بوده و نظم و نسق این ساختارها ضرورت بخش الزام به ارتباط بین حقوق بین الملل و آموزه های اسلامی می باشد.

۱-۲- تبیین جایگاه حقوق بین الملل در حقوق اسلامی

نظام حقوق بین الملل انسجام بخش روابط بین الملل در چهارچوب منابع توسعه یافته خود همچون معاهدات، عرف، رویه قضایی بین المللی و دکترین است. آمره بودن قواعد عرفی، به نوعی نظام حقوق بین الملل را از یک ثبات برخوردار ساخته و نظام مسئولیت را برای دولت ها به ارمغان آورده است. در این راستا نظم نوین جهانی نیز بر پایه قواعد حقوق بین الملل توسعه یافته است. در این میان با عنایت به

وجود قواعد منسجم در حقوق اسلامی نیز تطبیق مناسبی فی مابین این مهم با حقوق بین الملل شاهد هستیم. در نظام حقوق اسلام، نوعی وحدت خاص مبتنی بر یک رابطه منطقی حاکم است زیرا از بررسی جهان بینی که مبنای همه اندیشه ها و بینش ها در نظام فردی و اجتماعی اسلام است در می یابیم که «وحدت در قوانین طبیعی، وحدت در فطرت بشری، وحدت در خط مشی و آئین زندگی و لزوم اتحاد نیازها و ضرورت های اجتماعی با ضرورت ها و نیازهای فطری انسان» وجود دارد و از این رو است که نظام حقوق اسلام یک نظام حقوقی جهانی تلقی می شود (خلیلیان، ۱۳۸۲، ۱۰۵).

تجلی اصول و قواعد بین الملل در این نظام حقوقی آن جایی مشخص می گردد که بر فعالیت های اجتماعی انسان حاکم بوده و رابطه منطقی در این میان وجود دارد و بحث تقدم و برتری وجود ندارد. با این وجود اخلاقی بودن نظام بین الملل در اسلام، از برابری نشأت می گیرد. در این راستا ذکر این مسئله مهم ضروری می نماید که دولت های اسلامی مطابق مقررات حقوق بین الملل اسلام گام بر می دارند و در همه زمینه های حقوق بین الملل مطابق مقررات حقوق اسلامی عمل می نمایند. نشانه های این مهم را می توان در قواعد فقهی جهاد دریافت. از سوی دیگر زمینه اخلاق در حقوق بین الملل ریشه در وقع نهادن به حقوق طبیعی و حقوق بشری و تحلیل مکاتب حقوقی از جمله حقوق اسلامی دارد که تفسیری بسیط می طلبد (قربان نیا، ۱۳۹۴، ۸). همچنین اسناد بین المللی حقوق بشر، کرامت ذاتی و حقوق انکارناپذیر انسان را که نظریه های حقوق طبیعی راجع به عقل سلیم و ضرورت اخلاقی، پیش از پیدایش جنبش بین المللی حقوق بشر، عرضه و ترویج کرده بودند، افزون بر این به رسمیت می شناسد (قربان نیا، ۱۳۹۲، ۵۸). در واقع بایستی رابطه حقوق بین الملل و حقوق اسلامی را بر اساس چهارچوب های اصول و مفاهیم در حالی دوسویه تلقی نمود.

۱-۳- آموزه های اخلاقی اسلام در حقوق بین الملل

از آن جا که انسان یک موجود فطرتا اجتماعی است، اسلام بنا را بر آن داشته تا مطابق با نیازهای انسان پاسخ گو باشد، از این رو اسلام آئینه فطرت است. در این راستا در جهت سعادت بشر همه انسان ها را به توحید فراخوانده و طرح جامعه آرمانی را می دهد با این رسالت عظیم است که اسلام داعیه جهانی دارد (البدوی، ۱۹۸۶، ۱۸۹)؛ از این رو حکومت اسلامی و مسلمانان مسئولیت دارند در قبال تمام ملل مختلف زمینه نشر فرهنگ و آموزه های اسلامی را آماده سازند و این زمینه از آن جایی که تمام اقوام ملل همسو با هم نسبت به یکدیگر از لحاظ نوع بشر مسئول هستند ایجاد گردیده است. بنابراین اسلام سرنوشت انسان ها را به هم مرتبط می پندارد چنان که در خصوص نجات ملت های ستم دیده سفارش به حمایت و پیوستن به واقعیت می کند. اسلام لازمه رسالت جهانی خویش را در پیشرفت بشر

از طریق پیشرفت های علمی می‌داند. آن چه از همه بیشتر اسلام تاکید بر آن داشته صلح جهانی بوده است چرا که این مهم یکی از مبانی حقوق بین الملل اسلامی می باشد، بنابراین توسعه آموزه های اسلامی در سطح جهان بیان گر توجه اسلام به گسترش روابط بین المللی در چهارچوب حقوق بین الملل است (سلیمی، ۱۳۸۲، ۵۹). این رویکرد در ابناى اصول و قواعد حقوق بین الملل اسلامی همچون احترام و پایبندی به عهود و تعهدات بین المللی، عدم ورود ضرر، احترام به اصل حاکمیت و تمامیت ارضی و سایر اصول حقوق بین الملل قابل مشاهده است. همچنین حقوق اسلامی در خصوص حقوق بشردوستانه دارای قواعد قابل توجه و دقیقی است که این نشان از اهمیت اصول حقوق و روابط بین الملل در چهارچوب حقوق اسلامی دارد (علیخانی، ۱۳۹۰، ۲۲). دین اسلام به عنوان سرآمد ادیان الهی، منظر خود نسبت به ابنا و بناء نظام مند حقوق بین الملل را بر پایه مفاهیم اخلاقی تبیین می کند. باید اذعان نمود اسلام خاستگاه واقعی حقوق بین الملل در جهان است (سلیمی، ۱۳۹۴، ۷۹)؛ زیرا تأمین صلح و امنیت جهانی، حمایت از اصل برابری جوامع و دفاع از حقوق برابر ملت ها و اصل انصاف در پرتو تعالیم اسلامی ریشه ای عمیق دارد.

۲- اشاعه اخلاق، زمینه ساز ظهور اصالت مبانی حقوق بین الملل اسلامی

۲-۱- اصول بنیادین

در این گفتار بایستی اشاره ای داشت به اصل وفای به عهد که یکی از اصول بنیادین حقوق بین الملل و هم قاعده ای فقهی و اسلامی است که با توجه به فطری بودن حس گرایش به تعهدات و لزوم وفاء به آن ها، نقش قراردادهای در زندگی اجتماعی و در روابط بین الملل به خوبی قابل درک است. اهمیت اصل وفای به تعهدات و قراردادهای، در تعالیم اسلام به گونه ای است که شرط لازم دینداری و یکی از مهم ترین پایه های نظریه اسلام خوانده می شود. در حوزه حقوق بین الملل معاصر هم، تنها با رعایت این اصل، کشورها می توانند به طور سازنده با یکدیگر تعامل کنند؛ زیرا یکی از عوامل مهم درگیری ها و جنگ ها در طول تاریخ «عدم پایبندی به تعهدات» بوده است (احمدی طباطبائی و آرام، ۱۳۹۳، ۸۳). قاعده «وفای به عهد»، قاعده اصلی حقوق معاهدات، از نظر آموزه های قرآنی برخلاف نظام حقوق بین الملل، از استحکامی دوچندان برخوردار است. زیرا برخلاف نظام حقوقی یاد شده نه «خروج اختیاری» و نه «تغییر بنیادین اوضاع و احوال زمان انعقاد معاهده»، هیچ یک مستند عدم پایبندی به تعهدات ناشی از معاهدات نمی باشند. از منظر این کتاب آسمانی تنها استثنای این قاعده اصلی در حوزه حقوق معاهدات، نقض تعهدات بین المللی از سوی طرف های معاهده است (طوسی، ۱۳۹۷، ۱۳۵).

مادام که بشر افزون طلبی های خود را در قالب پیمان و تعهد محدود نسازد، جهان هرگز به صلح و امنیت نخواهد رسید. این گونه اصل وفای به عهد و احترام به تعهد، جایگاه و اهمیت بنیادین خود را باز می یابد و به عنوان یک اصل فطری و محوری در زندگی اجتماعی و بین الملل مطرح و مورد توجه قرار می گیرد (شیرنگ، ۱۳۸۵، ۱۲). آن چه که در این جا در ارتباط با بحث وفای به عهد است، بار اخلاقی است که در آن به چشم می خورد. در این میان، اسلام به چند اصل مهم دیگر اشاره داشته از جمله اصل برابری کشورها که در اسناد بین الملل هم به آن اشاره شده است. از جمله این اسناد، میثاق جامعه ملل ۱۹۱۹ بوده که بیان داشته دولت ها در برابر قانون مساوی هستند و تساوی در برابر قانون، تساوی مشارکت در وضع مقررات مربوط به منافع جامعه ملل را به عهده دارد (طیسی، ۱۳۸۷، ۲). همچنین منشور سازمان ملل بیان داشته اصل تساوی حاکمیت کشورها، احترام به همدیگر است (طیسی، ۱۳۸۷، ۹).

اصل برابری یکی از اصول مسلم در نظام حقوقی اسلام است که در پرتو آن تمام بشر از منظر قانون نسبت به حقوق و تکالیف شان بدون هیچ گونه تبعیضی از نظر نژاد، ملیت، رنگ، خانواده یا عقیده برابرند (آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات^۱). در همین راستا اسلام نقش تفاهم را بسیار ارزشمند تلقی نموده و توسعه حقوق بین الملل را در سایه سار این اصل در روابط بین الملل می داند. اصل تفاهم یک قاعده حقوقی بین المللی است که اکیداً الزام آور است ولیکن رخداد بسیاری از خشونت ها به دلیل علم رعایت این اصل بین المللی است. آن گاه که نژادپرستی در جهان رونق داشته باشد و به نوع بشر توهین گردد و منفعت طلبی و سیاسی بازی از حد بگذرد این مراتب ارزشمند یعنی اصول بین الملل نادیده گرفته می شود و عملاً اخلاق بین المللی و زیستی رعایت نمی گردد و صلح و امنیت بین الملل هم به خطر می افتد (طیسی، ۱۳۸۷، ۲۳). از اصول دیگری که می توان به خلاصه از آن ها یاد نمود اصل عدم مداخله و بی طرفی، اصل حمایت از ملت های تحت ستم، اصل مقابله به مثل، اصل مشارکت و تعاون بین الملل، اصل نفی سبیل می باشد که همگی نشان از اخلاق بین المللی و اخلاقی کردن حقوق بین الملل و نشأت گرفته از حقوق اسلامی است.

۲-۲- اصل کرامت انسانی در پرتو مفهوم صلح و زیست مسالمت آمیز

۲- یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارتین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است.

یک آرمان مهم برای نوع بشر که از ارزش بسیار بالایی برخوردار است، صلح و امنیت می باشد. تلاش های متعددی که ما در سطح بین الملل شاهد هستیم همه نشان از اهمیت مفهوم صلح دارد چرا که انسان ها فطرتاً صلح جو و عدالتخواه هستند. اسلام هم در آموزه های خود بر این اصل تاکید بسیار داشته است (آیه ۶۱ سوره مبارکه انفال؛ آیه ۹۰ سوره مبارکه نساء؛ آیه ۹ سوره مبارکه حجرات^۵). بدون تردید مقتضای فطرت و طبیعت انسانی در مناسبات و روابط با دیگران در عرصه های مختلف زندگی با قطع نظر از عوامل خارجی، حالت همزیستی و صلح می باشد، بنابراین اصالت حقوق بین الملل اسلام تبیین کننده اصالت مفهوم صلح است. در این راستا اشاره به دو نکته اساسی ضروری است. نکته ابتدایی در واقع اشاره به عدالت انسانی و رابطه آن با اخلاق است. آن چنان که در علم اخلاق، عدالت یکی از ویژگی های نفسانی انسان معرفی شده است، آن چنان که عدالت مشتمل بر جمیع فضایل است. حضرت امام خمینی (ره) درباره معنا و مفهوم عدالت در حوزه اخلاق بیان می دارند: «بدان که عدالت عبارت است از حد وسط بین افراد و تفریط و آن از امهات فضایل اخلاقیه است، بلکه عدالت مطلقه تمام فضایل باطنیه و ظاهریه و روحیه و قلبیه و نفسیه و جسمیه است، زیرا عدل مطلق مستقیم به همین معناست (موسوی خمینی، ۱۳۹۱، ۱۴۷). از این رو، عدالت اخلاقی در اصل به معنای دست یافتن انسان به مرحله ای از توان و تسلط روحی است که امکان میانه روی در کارها را پدید آورد و او را از غلتیدن به دام افراط و تفریط باز دارد (پرور، ۱۳۸۲، ۸۲). در این بین رعایت تمام قواعد بین الملل حقوق بشری و حقوق بشردوستانه خود نشان از عدالت و رعایت اخلاقی عدالت می باشد.

۳- وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. و اگر به صلح گراییدند تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست.

۴- إِيَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يَقَاتِلُوكُمْ أَوْ يَفَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنْ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يَفَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا. مگر کسانی که با گروهی که میان شما و میان آنان پیمانی است پیوند داشته باشند یا نزد شما بیایند در حالی که سینه آنان از جنگیدن با شما یا جنگیدن با قوم خود به تنگ آمده باشد و اگر خدا می خواست قطعاً آنان را بر شما چیره می کرد و حتماً با شما می جنگیدند پس اگر از شما کناره گیری کردند و با شما نجنگیدند و با شما طرح صلح افکندند [دیگر] خدا برای شما راهی [برای تجاوز] بر آنان قرار نداده است.

۵- وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتُلُوا فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَعَثَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبِغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ تِ قَاتِلُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن [طایفه ای] که تعدی می کند بجنگید تا به فرمان خدا باز گردد پس اگر باز گشت میان آن ها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می دارد.

نکته ثانوی بسیار مهم، اصل کرامت انسانی و اخلاقی کردن آن در جامعه بین الملل است. اصلی که قواعد عام بین الملل بر آن تاکید ویژه دارند. اندیشه کرامت انسانی در دین اسلام جایگاه والایی دارد (آیه ۷۰ سوره اسراء^۴). در این میان دین اسلام به دلیل برخورداری از یک نظام شاخص حقوقی، در حیطه بحث های مربوط به حقوق بشر، جایگاهی خاص، پیچیده و دقیق پیدا نموده است. به نظر می رسد که در دین اسلام دو نوع کرامت برای انسان بتوان یافت. یکی کرامتی جهان شمول که صفتی غیرمقید به دین است و دیگری کرامتی اکتسابی که مقید به عقیده انسان است (عمیدزنجانی و توکلی، ۱۳۸۶، ۱۶۱). در این راستا اسناد بین المللی هم بر این ارزش والا بسیار تاکید داشته اند آن چنان که اصل کرامت انسانی را نظم دهنده روابط عادلانه بشری تلقی نموده اند. منابع اصلی نظریه های اسلامی در قرآن و سنت، زبان بین المللی، اخلاق و مقام جانشینی انسان را که مشتمل بر کرامت انسانی می باشد تایید می کند (ساشادینا، ۱۳۸۶، ۴۷). نکته ای که در این جا حائز اهمیت است احترام به اراده آزاد و شرافت انسانی است که مبنای اخلاق زیستی قرار گرفته است (سرفراز و سرفراز، ۱۳۸۶، ۱۸۸). اراده آزاد و شرافت انسانی باعث کرامت انسانی و توجه به حقوق بشر می شود آن چنان که تلقی مسائل اخلاق زیستی در زمره حقوق بشر آن را دارای اهمیت می سازد به نحوی که همگان به آن توجه داشته باشند. اشاره به منزلت انسانی در اسناد بین الملل مربوط به اخلاق زیستی به گونه ای بوده که منزلت گاهی به عنوان اصل شکل دهنده اخلاق زیستی بین الملل تلقی شده است (سرفراز و سرفراز، ۱۳۸۶، ۱۹۰). آن چنان که از کرامت انسانی به عنوان فصل مشترک حقوق بشر و اخلاق زیستی یاد شده است و بایسته است که بیان بداریم کرامت انسانی در زمره یکی از گل واژه های حقوق بشری است که انسان به آن متصف است (آندورنو، ۱۳۸۶، ۲۱۱).

۲-۳- عدالت، اخلاق و حقوق بشر اسلامی

مسئله حقوق و اخلاق اسلامی در عصر جدید بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا درک رابطه اخلاق با شریعت و قوانین اسلامی می تواند میزان همگرایی این چهارچوب ها را بیش از پیش مشخص کند. حقوق و اخلاق به عنوان یک نقطه عزیمت است و روشن می سازد که قرآن و قوانین خدا لازم الاجرا هستند و یک نظریه اسلامی باید در چهارچوب اصول اسلامی بیان شود. همچنین پویایی و نشاط قوانین اسلامی بایستی در عصر معاصر حفظ شود و چنین نتیجه ای بدون حفظ آزادی و ظرفیت های ابتکاری فرد امکان پذیر نیست (El Fadl, 2017, 8). با توجه به نقش اصلی الزام اخلاق در

۶- ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا. پس [از چندی] دوباره شما را بر آنان چیره می کنیم و شما را با اموال و پسران یاری می دهیم و [تعداد] نفرات شما را بیشتر می گردانیم.

جزم کلامی اولیه اسلامی، نشان می دهد که در این مکتب گفتگو وجود دارد. در این میان استدلال می شود که عدالت و فضیلت از طریق خرد بشری قابل شناخت است. همچنین این باور وجود دارد که عدالت و فضیلت تنها از طریق وحی تحقق می یابد. این رویکرد اخلاقی عدالت محور، بنای الهی دارد. چرا که حقوق انسانی و حیاتی بشری سرچشمه از این گفتمان دارد. قرآن اغلب از اصطلاحاتی مانند ظلم و بی عدالتی، عدالت یا صلح به صورت عینی استفاده می کند، گویی که آن ها واقعیت های هستی شناختی مستقل و عینی هستند (El Fadl, 2017, 8). خداوند تجسم همه چیزهای اخلاقی و ثواب است. بنابراین، حضور خداوند به عنوان یک واقعیت عینی لزوماً به معنای وجود ارزش های اخلاقی مانند عدالت و خوبی به عنوان یک واقعیت عینی است. بنابراین عدالت، اخلاق و حقوق بشر اسلامی از یک منشاء الهام بخش الهی سرچشمه می گیرند. مطلق اخلاقی یا جهانی بودن، مانند الوهیت، چراغ هدایت شریعت است. قرآن اعتبار عینی اصول اخلاقی و اخلاقی را به عنوان فضیلتی جدایی ناپذیر از خوبی، زیبایی و الوهیت تأیید می کند (El Fadl, 2014, 10). بنابراین اساس درک های معرفت شناختی در محدوده منطقی همیشه در حال تکامل بوده و این مهم در ساختار حقوق اسلامی ریشه داشته و بنای حقوق و کرامت بشری بر محوریت عدالت است.

۳- جهانشمولی و حقوق بین الملل اسلامی

در این مبحث اساساً به بحث جهانشمولی عدالت محور و جهان شناخت دینی در پرتو حقوق بین الملل اسلامی می پردازیم. انسان به مقتضای ذات خویش همواره خواهان عدالت در هر زمان و مکان و در روابط اجتماعی خویش بوده است. سازکارهایی که در این مسیر در حقوق داخلی جوامع مختلف صورت گرفته تا حدود زیادی تضمین کننده عدالت گردیده است اما به دلیل فقدان، نقصان و یا عدم کارایی چنین سازکارهایی در حقوق بین الملل، اجرای کامل و مطلق عدالت با مشکلات خاص خویش روبه رو بوده و راه دشواری را در پیش رو دارد. اگرچه نمی توان به ضرس قاطع مبنای الزام آور بودن حقوق بین الملل در حال حاضر را، عدالت و تحقق آن دانست با این حال نمی توان منکر رویکرد و تمایل جامعه بین المللی به این موضوع و وضع اصول و مقرراتی بر این مبنا گردید و این روند در حال تکامل است (ادیبی، ۱۳۹۲، ۷۱).

۳-۱- جهانشمولی اسلام در پرتو آیات الهی

قرآن کریم خطاب خود را این گونه بیان می کند «یا ایها الذین آمنوا...» و با این خطاب هر مومن را از هر قوم و ملتی و هر نژاد و زبانی را اشاره دارد، چنان که در برخی از آیات قرآن کریم آمده است: «قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً... یعنی بگو ای مردم بی گمان من فرستاده خدا به سوی همه

شما هستیم...»^۷ این جهانشمولی، جهانی شدن را هم تحت تاثیر خود قرار داده چنان که تعاریف جامعی از مبانی جهانی شدن ارائه شده و مکتب اسلام و حقوق اسلامی را در روابط بین الملل به منصفه ظهور گذارده است.

الهی بودن با مردمی بودن در حقوق اسلام در تعامل ویژه ای است و اسلام با طرح مبانی و اصول کلی حقوق در روابط اجتماعی از حقوقدانان و حاکمان جوامع خواسته است برای تحقق بخشیدن به ارزش های اسلام در حقوق داخلی و روابط بین المللی تلاش کنند و آن چه که بیش از هر چیز در روابط خارجی مورد توجه قرار گرفته اصل عدالت است.^۸ هدف اصیل در حقوق اسلام اقامه عدل در جامعه بشری است چنان که اصول دیگری نظیر آزادی و مساوات از این اصل برگرفته شده است. آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید می فرماید: «لَقَدْ ارسلنا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ انزلنا مَعَهُمُ الْكِتَابُ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ انزلنا الحديدَ فيه بَأْسٌ شَدِيدٌ.» در آیه فوق الذکر عدالت به عنوان مهم ترین هدف و ارزش یاد شده است و هدف از بعثت همه پیامبران و نزول همه کتب آسمانی و بیانات را اقامه قسط و عدالت معرفی می کند. اما نکته مهم بُعد دینی جهانی شدن است (آیه ۸ سوره مبارکه ممتحنه^۹). در سایه فرآیند جهانی شدن، اندیشه ها، الگوها و گروه های مذهبی نیز توانسته اند تا با بهره گیری از مهم ترین نیروهای این فرآیند همچون نظام ارتباطی به بازنمایی خود در دنیای جهانی شده پردازند (آیه ۱۰ سوره الرحمن^{۱۰}). بعد دیگر این سخن اشاره به آیه «انَّ هذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ انا رَبُّكُمْ فَاعْبُدونِ می باشد، چنان که زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می کند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ۴۰). در این راستا زمانی که از امت واحد صحبت می شود، نگاه و منظر جهانشمولی نظام اسلامی

۷- جهانی شدن در سایه سار نظام صلح جهانی میسر است چنان که ارتباط و پیوستگی میان ملل مؤید این مهم است و این از طریق صلح و گفتگو میسر است چنان که پیامبر گرامی اسلام (ص) در موارد دعوت به اسلام از راه گفتگو و مذاکره وارد می شدند.

۸- اصل عدالت در طول تاریخ به عنوان هدف یا مبنای مورد توجه و تاکید همه نظام های حقوقی بوده است چه این که عدالت قانونی است که نظام هستی بر محور آن دور می زند چنانکه پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: «بالعدل قامت السماوات و الارض.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ۴۸۲).

۹- لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا بَدَأُواكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. [اما] خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده اند باز نمی دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید زیرا خدا دادگران را دوست می دارد.

۱۰- وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ. و زمین را برای مردم نهاد.

مشخص می گردد. همان ملت و دولتی که در حقوق بین الملل به آن پرداخته می شود، در واقع امت واحد و حکومت الهی است که شرط ابتدای حقایق جامعه بین المللی است.

۳-۲- حقوق بین الملل اسلام و عدالت اجتماعی^{۱۱}

عدالت و نظم با هم ملازمه دارند، زیرا در کشوری که نظم نباشد عدالت هم نیست و در کشوری که عدالت نباشد و نظم باشد، آن نظم ارزشی ندارد. بنابراین اجرای قوانین هم نمی تواند انسان را از ستمگری معاف کند. وجود قانون هرج و مرج را در جامعه از بین می برد به شرط آن که قانون به عدالت اجرا شود چرا که عدالت به معنای عام، هم فضیلت ها را دربرمی گیرد و تقریباً واژه ای مترادف با تقوا است (کریمی نیا، ۱۳۸۵، ۲۲۴). یکی از اهداف حقوق بین الملل اسلامی که هدف متوسط نام گرفته، عدالت یا سعادت اجتماعی است (آیه ۵۸ سوره مبارکه نساء^{۱۲}). عدل به معنی واقعی کلمه عبارت است از «قرار دادن هر چیزی در جای مناسب خود». نکته قابل ذکر این که حق و عدالت لازم و ملزومند و هرگونه انحراف، افراط و تفریط و تجاوز به حقوق دیگران برخلاف اصل عدل است. عدالت در قرآن، به صورت یکی از اهداف بعثت پیامبران الهی مطرح است^{۱۳}، اجرا و توسعه عدالت، از وظایف آنان و از مهم ترین اصول اجتماعی اسلام است و در مورد نظام تشریحی اسلامی در آیه ۲۹ سوره مبارکه اعراف می فرماید «قل امر ربی بالقسط، بگو پروردگام به عدالت امر کرده است». در قرآن کریم با تعبیر «خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد» رعایت عدل در روابط بین المللی و برخورد نیکو و احترام به موجودیت دیگران اصل کلی قلمداد شده است (منصور، ۱۳۸۰، ۱۳۵).

۱۱- عدالت اجتماعی به عنوان یک مفهوم جامع و همه جانبه در سیاست گذاری یک حکومت و یک نظام وسیع بین المللی، برای اولین بار در تاریخ، از طرف حضرت امام علی (ع) و پس از شکست امپراطوری های روم و ایران و فتوحات مسلمین در قاره های آسیا و آفریقا پایه گذاری شد. از دیدگاه حضرت امام علی (ع)، عدالت اجتماعی یک اصل همگرا و مشروع حکومتی است و همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اداری و سازمانی را در بردارد (مولانا، ۱۳۸۰، ۱۸).

۱۲- إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا. خدا به شما فرمان می دهد که سپرده ها را به صاحبان آن ها رد کنید و چون میان مردم داوری می کنید به عدالت داوری کنید در حقیقت نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می دهد خدا شنوای بیناست.

۱۳- در این جا با گفتگوی تمدن ها روبرو هستیم که هدف از آن: ایجاد دوستی و همبستگی بین ملت ها، توسعه آرامش و امنیت دولت ها در سطح جهان، افزایش میزان بهره وری ارتباطی و فرهنگی، ایجاد صلح عادلانه و پایداری بین کشورها، شفافیت برای همکاری و سازندگی کشورها، برابری در برخورداری دولت ها از فناوری های نوین علمی و... (کریم خانی، ۱۳۸۳، ۹).

روایات اسلامی در این مقوله بسیار است آن چنان که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند «آسمان ها و زمین بر اساس عدالت استوارند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ۴۸۲). از حضرت امام علی (ع) نقل شده که «عدل نگه دارنده همگان است.» (فیض الاسلام، ۱۳۶۷، ۱۲۹۰). حضرت امام صادق (ع) فرمودند «عدالت از غسل شیرین تر است»، زیرا عدالت مایه تحقق امنیت اجتماعی است و بارزترین ثمره آن، شکوفایی استعدادها و به کمال رسیدن آن ها است. بنابراین عدالت نه تنها وسیله آسایش و امنیت اجتماعی برای امت اسلامی است، بلکه بهترین راه طبیعی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی به شمار می آید (سلیمی، ۱۳۸۲، ۱۳۷).

۳-۳- عدالت و اخلاق از منظر دین پژوهی

موضوع عدل و عدالت در همه زمان ها و مکان ها ارزشمند است. آن چه که از مفهوم عدالت به ذهن متبادر می شود چیزی جز حسن و زیبایی نیست. در رأس همه عدالت ها، عدل الهی است، به این معنی که پروردگار، فعلی برخلاف عدالت انجام نداده و در حق بندگان خود ظلم نمی نماید. خداوند عادل، انبیا و خود را برای بسط عدالت فرستاده و در آیات قرآن انسان ها را نیز به رعایت عدالت در همه امور دعوت نموده است که این به معنای عدالت بشری می باشد. عدالت بشری خود به دو قسم تقسیم می شود: عدالت فردی و عدالت اجتماعی. افراد ابتدا باید عدالت را درون خود ایجاد کنند؛ بدین صورت که با حاکم کردن قوه عقل بر سایر قوای نفس، آن ها را متعادل و متوازن نمایند که به معنای عدالت فردی است و پس از آن درصدد اجرای عدالت در اجتماع باشند که از آن به عنوان عدالت اجتماعی یاد می شود. حال این سؤال مطرح می شود که چه رابطه ای بین عدالت فردی و اجتماعی وجود دارد؟

بسیاری از دانشمندان عدالت فردی و رعایت اخلاق را شرط تحقق عدالت اجتماعی می دانند. در خصوص موضوع اخلاق که زیربنای عدالت است، تعاریف متعددی بنا بر تفاوت انواع ایدئولوژی ها وجود دارد. این تفاوت عموماً در دو قسمت طبقه بندی می شوند. قسمت اول از نگرش خداگرایی و به طور اخص از ادیان ابراهیمی نشأت می گیرد که رعایت اخلاق را در گرو داشتن تقوای الهی و رعایت شریعت می پندارد. اما قسمت دوم عموماً ناشی از سرلوحه تجربه بشری است که عموماً جوامعی با نگرش سکولار به تدوین این گونه اخلاقیات ممارست دارند و بر حسب احوال پیشینیان و احوال حال، به تدوین قواعد اخلاقی می پردازند. در هر دو حالت مقوله اخلاق و فضیلت ها تا آن جا مورد توجه فیلسوفان و دانشمندان است که آن را در مرحله قانونگذاری نیز دخیل می نمایند و بر اساس اصول اخلاقی حاکم بر جامعه به تنقیح و تقنین روی می آورند. تا آن جا که بسیاری از قوانین بر اساس پایه های اخلاق فردی و اجتماعی بنیان نهاده شده است.

۳-۴- تحقق عدالت اجتماعی در پرتو حقوق بین الملل اسلامی

عدالت اجتماعی اصطلاحی است که به تحقق عدالت در اجتماع مربوط می شود و هرگاه در اجتماع، هر چیزی در جای خود قرار گیرد و مقام ها، موقعیت ها، امکانات و توانمندی ها به گونه ای صحیح و منطقی توزیع شود عدالت اجتماعی تحقق یافته است (پرور، ۱۳۸۲، ۲۴). نکته ای که بایستی در این جا به آن اشاره نمود بحث عدالت در حوزه سیاسی و اجتماعی است آن چنان که در گفته های دانشمندان، عدالت جزء فضایل انسانی برشمرده شده و عدالت همانا احترام گذاردن به هرگونه قواعدی است که مقرر دارد آدیان چگونه باید با یکدیگر رفتار کنند (مطهری، ۱۳۷۸، ۱۱۹). تحقق عدالت اجتماعی به دلیل شرایط متنوع و پیچیده جوامع انسانی ابعاد گوناگونی دارد آن چنان که در این سخن تبیین ابعاد عدالت اجتماعی رویکرد اصلی ماست. گرایش به عدالت از جنبه اقدارگرایی و حاکمیت در بستر حقوق بین الملل نشأت می گیرد (ادیبی، ۱۳۹۲، ۵۷). هرچند در این حالت عدالت در حالت پایداری قرار نمی گیرد و به محض وقوع تغییرات دستخوش تحول می گردد. در این میان اگر بنای عدالت آرمانی و انسانی باشد، پابرجا و گریز از آن امکان ندارد. در این راستا، تحقق عدالت با ثبوت حق نمود پیدا می کند و این یک جلوه و روشنای مهم بشری حقوق بین الملل است. در این میان حقوق بین الملل اسلامی نیز بنای یافته حقیقی خود را، حق و عدالت می داند و بر تمام آن «حق بر...» ها تاکید دارد و این مهم برای تضمین صلحی است که حقوق اسلامی پیشتر از این مسئله است. ماده سوم اعلامیه اسلامی حقوق بشر، به حقوق اساسی و آزادی های بنیادین می پردازد و حق انسانی را برتر و مطابق با احکام شریعت اسلامی می داند.

نتیجه

طرز تلقی ما از حقوق بین الملل اسلامی به عنوان یک رویکرد مکتبی و جهانشمول بسیار اهمیت دارد. آن چه که امروزه بیش از پیش ضروری به نظر می رسد بحث اخلاقی کردن حقوق در چهارچوب نظام جمعی بین المللی است. وجود اخلاق تضمین کننده اجرای اصول بین الملل و احترام به عدالت و کرامت انسانی و التزام دهنده مبانی حقوق بشر بوده است. حقوق بین الملل در رابطه با مکتب اسلام هم این تضمین را پذیرفته، آن چنان که رسالت جهانی حقوق بین الملل اسلامی بر «مکارم اخلاق» تاکید داشته و در این سیرسلوک، چهارچوب را عدالت و کرامت انسانی، صلح و امنیت بین المللی، عملکرد قاعده مند جامعه جهانی بر اساس اصول حقوق بین الملل و اجرای قواعد آمره گذاشته و مرکز چهارچوب را اخلاق بر مبنای عدالت قرار داده است. با عنایت به جامعیت و گستردگی دامنه نفوذ اسلام و با توجه به این که اسلام مدعی ایجاد نظام سیاسی مخصوص به خود و بر پایه ارزش ها و

معنویات دینی می باشد، نقش و جایگاه دین در هدایت حرکت عظیم اجتماعی مثال زدنی بوده چنان که با ایجاد نظم و وجود قانون حصول عدالت امری است مبتنی بر خواسته های جمعی جامعه اسلامی و حتی این مسئله امنیت اجتماعی را هم نویدبخش بوده است. قانون و نظم بنیان بخش همیشگی عدالت و ثبات اخلاق است. این مهم چه در عرصه حقوق داخلی و چه حقوق بین الملل نقطه عطف تعهدات داخلی، منطقه ای، بین المللی و جهانی است. این قاعده مندی به صورت کاملاً واضح در منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اعلامیه های جهانی حقوق اسلامی تشریح گردیده است. این برآیندی از تاثیر جهانی و تعامل حقوق بین الملل و حقوق اسلامی در مورد اخلاق و عدالت است.

منابع

- قرآن کریم

فارسی

- آندورنو، روبرتو، ۱۳۸۶، کرامت انسانی در پرتو حقوق بین الملل زیست پزشکی، مترجم محمدجعفر ساعد،

فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۱.

- احمدی طباطبایی، سیدمحمدرضا و آرام، محمدرضا، ۱۳۹۳، اصل وفای به تعهدات و قراردادهای مقایسه حقوق بین الملل اسلامی و حقوق بین الملل معاصر، **معرفت حقوقی**، شماره ۱.

- ادیبی، اکبر، ۱۳۹۲، نگرشی بر مفاهیم عدالت و عدالت گرایی از دیدگاه مبانی الزام حقوق بین الملل در تئوری و عمل، **فصلنامه پژوهش های حقوقی**، دوره ۱۲، شماره ۲۴.

- حمیداله، محمد، ۱۳۸۰، **سلوک بین المللی دولت اسلامی**، ترجمه و تحقیق سیدمصطفی محقق داماد، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.

- خلیلیان، سیدخلیل، ۱۳۸۲، **حقوق بین الملل اسلامی**، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.

- سلیمی، عبدالحکیم، ۱۳۸۲، **نقش اسلام در توسعه حقوق بین الملل**، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- سلیمی، عبدالحکیم، ۱۳۹۴، اسلام خاستگاه واقعی حقوق بین الملل، **فصلنامه حقوق اسلامی**، شماره ۴۷.

- سرفراز، فرشید و فریدون سرفراز، ۱۳۸۶، جایگاه اخلاقی زیستی در قلمرو حقوق بشر بین المللی، **فصلنامه حقوق پزشکی**، شماره ۱.

- ساشادینا، عبدالعزیز، ۱۳۸۶، بنیادهای اخلاق بشر، مترجم دکتر محمود عباسی و دکتر لادن عباسیان، **فصلنامه حقوق پزشکی**، شماره ۱.

- شیرنگ، محمد، ۱۳۸۵، **منشور سازمان ملل متحد**، تهران، انتشارات دانشور.

- طیبی سبحان، ۱۳۸۷، **حقوق بشر دوستانه در اسناد حقوق بین الملل با تاکید بر اشغال عراق توسط**

نیروی های ائتلاف، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و تحقیقات فارس.

- طوسی، حمیدرضا، ۱۳۹۷، استحکام قاعده وفای به عهد در معاهدات بین المللی از منظر قرآن کریم، **فصلنامه**

قرآن و علم، شماره ۲۳.

- عمیدزنجانی، عباسعلی و توکلی، محمد مهدی، ۱۳۸۶، حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام،

فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۷، شماره ۴.

- علیخانی، علی اکبر، ۱۳۹۰، مبانی و اصول روابط بین الملل در اسلام، **فصلنامه پژوهش های روابط بین**

الملل، شماره ۱.

- قربان نیا، ناصر، ۱۳۹۲، حقوق طبیعی و حقوق بشر، **مجله حقوق بشر**، شماره ۱ و ۲.

- قربان نیا، ناصر، ۱۳۹۴، **اخلاق و حقوق بین الملل**، تهران، انتشارات سمت.

- کریمی نیا، محمد مهدی، ۱۳۸۵، **حقوق بشر و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، قم، نشر جلوه

کمال.

- کعبی، عباس، ۱۳۸۲، تطبیق نظام حقوقی اسلامی با حقوق وضعی معاصر، **مجله فقه اهل البیت**، شماره ۳۶.

- کریم خانی، حمزه، ۱۳۸۳، صلح و گفتگو در جهان، **مجله حدیث زندگی**، شماره ۱۴.

- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، **پیرامون انقلاب اسلامی**، تهران، انتشارات صدرا.

- منصور، جهانگیر، ۱۳۸۰، **تدوین و گردآوری قانون اساسی**، تهران، نشر دوران.

- مولانا، سیدحمید، ۱۳۸۰، امام علی (ع) و ابعاد عدالت اجتماعی، **کتاب نقد**، شماره ۱۸.

عربی

- البدوی، عبدالرحمن، ۱۹۷۶م، **الاخلاق النظریه**، چاپ دوم، کویت، وکالت المطبوعات.

- صافی، لطف الله، ۱۴۰۴ق، **احکام الشریعه الثابته لاتتبعیر**، قم، چاپ دارالقرآن الکریم.

- فیض الاسلام، سیدعلی نقی، ۱۳۶۷، **ترجمه نهج البلاغه**، تهران، نشر فقیه.

- موسوی خمینی، روح اله، ۱۳۹۱، **شرح حدیث جنود عقل و جهل**، قم دارالکتب الاسلامی.

- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، **بحار الانوار**، بیروت، دارالتراث العربی.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه

لاتین

-El Fadl, Khaled Abou, 2017, Qur'anic Ethics and Islamic Law, Journal of Islamic Ethics, Volume 1: Issue 1-2.

-El Fadl, Khaled Abou, 2014, When Happiness Fails: An Islamic Perspective, Journal of Law and Religion, Volume 29.

legal Civilization

Biannual

No.8/Spring & Summer 2021

Jurisprudential and Criminological Aspects of Betting in Cyberspace

Abolfath KHaleghi, Simin Farrokhi Nia

A Critical Review of the Advisory Opinion of the International Court of Justice on the Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965

Moosa Akefi Ghaziani, Mohammad Akefi Ghaziani

Comparative Legal Analysis of the Collateral in the Light of the Anglo-Iranian Laws

Hossain Rahimi Khojasteh, Marzieyh Fathi Bornaji

Comparative Approach to the Effects of Mergers on Commercial Companies

Afshin Mojahed

Explaining the Dimensions of Justice and Ethics from the Perspective of the Principles of the Framework of Islamic International Law

Nourooz Kargari, Sajad Tayebi

The Place of Sexual Crimes in International Criminal Courts

Abbas Por Hashemi, Sahar CHoobin

Covid-19 Pandemic in the Light of Solidarity Rights

Sayyed Behrad Mirfakhraei

Effects and Aspects of Appeal (Research) from the Perspective of Imami Jurisprudence, Iranian Law and French

Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Afshin Mojahed

Foreign Investment in Iranian Subject law and the Obstacles Facing it

Mohammad Reza Burbur

the Condition of the Absolute Guarantee of the Tenant in Keeping the Same Tenant in Imami Jurisprudence and Civil law of Iran

Firooz Ahmadi, Ali Qaed Rahmati

A Warning for the Big Fish: A Review of the Most Significant Roles and Achievements of International Criminal Law in International Legal Order

Mohsen Ghadir, Mousa Karami

A Comparative Study of the Crime of Embezzlement in Iranian and British Law with a Look at International Documents

Mohsen Jafari, Fateme Asadi

Religious Pluralism in Iranian Criminal Code

Abbas Karimi, Abalfazl Salimian

A Comparative Approach to the Scheme of Arrangement in Iranian, British and French Law

Hasan Rahim Zade Meybodi, Afshin Mojahed

Effects of Wife Alimony in Iranian and French Law

Mostafa Afzali Goroh

A Comparative Study of Non-Influence with Relative Invalidity in Iranian and French Law

Abbas Karimi, Gholam Reza Izadpanah

Critique and Evaluation of Personal, Social and Judicial Harms of Criminalization in the Iranian Penal System

Rostam Ali Akbari, Amir Faraj Bakhsh